

## سوء ظن؛ از پیشگیری تا درمان (۱)

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابازاده\*

### مقدمه

«سوء ظن» به معنای «بدبینی و بدگمانی»، یک بیماری خطرناک روانی است که نه تنها دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه پیش از همه، شخص بدگمان را هدف می‌گیرد و او را به نابودی و تباهی می‌کشاند. هم‌چنین او را عنصری زبون، بدبین و بی‌اعتماد می‌کند. اسلام، آیین حیات‌آفرین و آرامش‌بخش است و دوست دارد که جوامع بشری در امنیت کامل به سر برند و سرمایه‌های ارزشمند توده‌های مردم، یعنی: «جان، مال، ناموس و آبروی» آنان مورد تهاجم دیگران قرار نگیرد. هم‌چنین اسلام دوست دارد که مردم نه فقط در عمل و به صورت فیزیکی به همدیگر ضرر و زیان نرسانند، بلکه از جهت زبانی و در گفت‌وگوی روزمره، و حتی از نظر فکری نیز در امان باشند و مطمئن شوند که کسی «تیرهای تهمت و سوء ظن» را به سوی آنان نشانه‌گیری نکرده است.

---

\* محقق و نویسنده.

قرآن مجید در آیاتی هشدار می‌دهد: ای کسانی که مؤمن و مسلمان هستید، حق ندارید دیگران را مسخره کنید! شاید آنان بهتر از شما باشند و حق ندارید توده‌های مردم را «طعن و از آنان عیب‌جویی» کنید و حتی حق ندارید همدیگر را با بی‌احترامی و القاب ناپسند صدا بزنید. «مبادا گرفتار سوءظن» باشید؛ که آن، گناه بزرگ و ریشه گناهان دیگر است.<sup>۱</sup>

واژه «سوءظن» در قرآن کریم<sup>۲</sup> و روایات اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. در این مقاله، برخی حوزه‌های آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

### اسلام و حریم «انسان»

سیر اجمالی در آیات و احادیث نشان می‌دهد که «انسان» جایگاه بالایی دارد و امتیاز او از سایر موجودات بیش‌تر است. بنابراین، حریم او نباید با «سوءظن» و تهاجم‌های دیگر شکسته شود. در قرآن مجید، واژه «الناس» که به عموم مردم اطلاق می‌شود، ۲۰۷ بار آمده و به‌نوعی، احترام حریم همه انسان‌ها را شامل می‌شود؛ چراکه انسان از نظر قیافه و قالب، با بهترین شمایل آفریده شده<sup>۳</sup> و خداوند حکیم به آفرینش او آفرین می‌گوید<sup>۴</sup> و تکریم او را گوشزد می‌کند.<sup>۵</sup> زیرا انسان از نظر معنوی و روحی نیز از «روح خدا» ریشه گرفته است.<sup>۶</sup>

در کلام ارزشمند رسول خدا ﷺ جایگاه «انسان مؤمن» از فرشتگان بالاتر است.<sup>۷</sup> زیرا فرشتگان در برابر انسان و «آدم» به سجده افتاده‌اند و انسان، مسجود فرشتگان است. در تاریخ و حدیث آمده است که پیامبر خدا ﷺ در عالم «معراج» با فرشتگان به گفت‌وگو پرداخت. چون وقت نماز فرارسید، «جبرائیل علیه السلام» به رسول خدا ﷺ عرض کرد: آماده امامت شو تا پشت سرت نماز بخوانیم. حضرت به جبرائیل فرمود: شما جلو بروید. پیک وحی گفت: «إِنَّا لَا نَتَقَدَّمُ الْآدَمِيَّيْنَ مُنْذُ أَمْرِنَا بِالسُّجُودِ لِآدَمَ»<sup>۸</sup> ما از آن روزی که مأمور شدیم به حضرت آدم علیه السلام سجده کنیم، هرگز بر انسان‌ها پیشی نمی‌گیریم.» زیرا جایگاه انسان، بسیار ارزشمند است.

۱. مضمون بخشی از آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات.

۲. واژه «سوء» ۱۶۷ بار، و «ظن» ۶۹ بار در قرآن آمده است.

۳. تین، آیه ۴: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.»

۴. مؤمنون، آیه ۱۴: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.»

۵. اسراء، آیه ۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ.»

۶. حجر، آیه ۲۹: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.»

۷. علاء‌الدین هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۶۴: «الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ.»

۸. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۲۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۴۰۴.

مجلس دوازدهم: سوء ظن؛ از پیشگیری تا درمان (۱) ■ ۱۳۵

در حدیثی امام صادق علیه السلام فرموده است: «الْمُؤْمِنُ أَكْبَرُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ؛<sup>۱</sup> حرمت مؤمن از حرمت کعبه بیش تر است.»

بنابراین ما وظیفه داریم با احترام متقابل، ادب و دوری از هرگونه سوء گفتار و کردار با یکدیگر معاشرت کنیم و به دستور قرآن مجید بر همه ما واجب است که با تمام آحاد انسان‌ها به زیبایی معاشرت کنیم.<sup>۲</sup>

## عوامل و زمینه‌های بدگمانی

برای سوء ظن و بدگمانی زمینه‌های مختلفی وجود دارد که در اینجا به بیان پنج مورد بسنده می‌کنیم:

### ۱. ناآگاهی

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بین حق و باطل، تنها چهار انگشت فاصله است؛ هرچه گویی شنیده‌ام، باطل و آنچه گویی دیده‌ام، صحیح است.»<sup>۳</sup> خیلی از دیدنی‌ها را نیز شرعاً نمی‌توان بازگو کرد. بنابراین، بخش چشمگیری از گفته‌های اجتماعی و عامه مردم، سوء ظن و باطل است.

### ۲. ضعف دینی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «چهار چیز هر مسلمانی حرام است: خون، مال، ناموس و سوء ظن: داشتن.»<sup>۴</sup> مطابق این حدیث، گناه سوء ظن، معادل گناهان آدم‌کشی، یغماگری و هتک ناموس است. اگر کسی در خصوص باورهای دینی ضعف نداشته باشد، به دیگران سوء ظن نمی‌برد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيْمَانِ الْمَرْءِ وَ

۱. شیخ صدوق، *الخصال*، ج ۱، ص ۲۷؛ محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان‌الحکمه*، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. بقره، آیه ۸۳: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.»

۳. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۲، ص ۱۹۷.

۴. ناصر مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۲۲، ص ۱۸۶: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ عِرْضَهُ وَ أَنْ يَظُنَّ بِهِ السُّوءَ.»

سَلَامَةَ صَدْرِهِ؛<sup>۱</sup> خوش بینی و دوری از سوء ظن از دین داری انسان و پاکی درونش حکایت دارد.»

### ۳. کمبود شخصیت

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «انسان فرومایه و کم بین با بدبینی نگاه می کند و هر آن چه را می نگرد، بد می بیند.»<sup>۲</sup> این حدیث، بیانگر آن است که بیشتر حرف های ناصواب اجتماعی از افراد فرومایه و حسود ریشه می گیرد. افلاطون می گوید: «دانشمندان یونانی ضعیف النفس نمی توانند خوبان را ببینند و سعی می کنند با بدگویی و بدبینی از آنان انتقام گیرند.»<sup>۳</sup>

### ۴. منفی نگری

گروهی از بدگویان و بدبینان، طبع منفی دارند و فقط زشتی ها را می بینند. اینان حُکم مگس هایی را بازی می کنند که بر کثافت ها می نشینند؛ چنان که مولا، علی علیه السلام فرموده است: «الْأَشْرَارُ يَتَّبِعُونَ مَسَاوِيءَ النَّاسِ وَيَتْرَكُونَ مَحَاسِنَهُمْ»؛<sup>۴</sup> طبع بدان، توجه به بدی ها و غفلت از خوبی هاست.»

حضرت عیسی علیه السلام نیز در این باره فرموده است: «ای بدان و بدبینان! چرا بدون علم، دیگران را خراب می کنید، ولی با علم و یقین از کرده های کثیف خود غفلت می کنید؟»<sup>۵</sup>

### ۵. مظان اتهام

اگر چهار عامل پیشین، مربوط به بدگویان و بدگمان ها است، عامل پنجم مربوط به غفلت و یا قصور خود متهمان است که از مواضع تهمت و سوء ظن دوری نمی کنند، با بدان همراه می شوند و کارهای سؤال برانگیز انجام می دهند. در کلام علی علیه السلام می خوانیم: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلَومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ»؛<sup>۶</sup> هرکس خودش را در جایگاه بدگمانی و بدبینی قرار دهد، در مورد سوء ظن دیگران، کسی را [جز خودش] مقصر نشناسد.»

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹۶.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۴.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۶.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۲۶۹.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰۱.

۶. فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۱۱۶۵، حکمت ۱۵۱.

## عرصه‌های سوء ظن

عرصه‌های سوء ظن، بسیار وسیع و قلمرو آن متنوع است و بدون تردید، به هر عرصه‌ای نفوذ کند، آنجا را به آتش می‌کشد و افراد خویش را تباه می‌کند. سوء ظن گاهی در حوزه فردی قابل تصور است و زمانی نیز بین افراد اجتماع، همچون دو دوست و یا زن و شوهر سرایت می‌کند و ممکن است در روابط خانوادگی و بستگان مشکل، ایجاد کند و در مواردی به معضلی اجتماعی و کشوری و یا حتی بین حکومت و شهروندان تبدیل شود و از همه خطرناک‌تر، سوء ظن جهانی و بین‌المللی است که هرچه دایره این بیماری وسیع‌تر باشد، خطرش عمومی‌تر و فراتر خواهد بود.

اینک به بیان عرصه‌ها، پیامدها و راه‌های پیشگیری و درمان این بیماری می‌پردازیم:

## الف) حوزه فردی

بیشتر سوء ظن‌های مردم به شخصیت درونی آنان برمی‌گردد. زیرا انسان‌های عاقل و اندیشمند، پیوسته با علم و تدبیر پیش می‌روند و گفتارهای زبانی را به راحتی نمی‌پذیرند و چون خود، ارزش حقیقی دارند، به داشته‌ها و توانایی‌های دیگران حساس نمی‌شوند و از تهمت و بدگویی و سوء ظن خودداری می‌کنند، ولی افراد زبون و بی شخصیت پیوسته در درون خود در ستیزند و نمی‌توانند از عالم توهم رها شوند. اینان رشد و پیشرفت دیگران را بر نمی‌تابند و نه تنها خود با توهم و خیال به اتهام و سوء ظن دست می‌زنند، بلکه همسو با توطئه‌گران و شایعه‌سازان، آبرو و حیثیت نیکان و پاکان را هدف می‌گیرند.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام با توجه به این موضوع می‌فرماید: «الشَّرِيرُ لَا يُظُنُّ بِأَحَدٍ خَيْرًا لِأَنَّهُ لَا يَرَاهُ إِلَّا بِطَبْعِ نَفْسِهِ؛<sup>۱</sup> آدم شرور و فرومایه به کسی حُسن ظن نمی‌برد؛ زیرا او همگان را به طبع درونی خود می‌پندارد.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «ای مردم! با خوش بینی و حُسن ظن معاشرت کنید تا به این وسیله، صفای قلب و طبیعت پاک داشته باشید.»<sup>۲</sup>

۱. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۸۶.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۹۶: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيمَانِ الْمَرْءِ وَ سَلَامَةِ صَدْرِهِ... قَالَ النَّبِيُّ: أَحْسِنُوا ظُنُونَكُمْ بِأَخْوَانِكُمْ تَغْتَنَّمُوا بِهَا صَفَاءَ الْقَلْبِ وَ نَقَاءَ الطَّبَعِ.»

این حدیث بیان می‌کند که ریشه سوءظن‌ها از کمبود شخصیت و ضعف ایمان و ناپاکی درونی است و علاج این بیماری، بازگشت به خودسازی و پاکی است. در اینجا به برخی از این آثار اشاره می‌شود:

### ۱. گوشه‌گیری

یکی از زیان‌های فردی سوءظن، این است که شخص بدگمان به دلیل عدم اعتماد به مردم، همیشه در رنج و ناراحتی به سر می‌برد و به گمان بد خود، دیگر کسی را نمی‌یابد که با او معاشرت کند. چون افراد بدبین از مردم می‌ترسند و آنان را مورد اعتماد خود نمی‌دانند، در نتیجه، گوشه‌گیر می‌شوند و دور از اجتماع زندگی کرده، و به طور کلی، روابط خود را با مردم قطع می‌کنند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يُحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛ کسی که بدبین است از همه وحشت دارد».

### ۲. غیبت قلبی

زیان فردی دیگری که سوءظن دارد این است که گمان بد، خود نوعی «غیبت قلبی» است. علمای اخلاق، سوءظن را یکی از مصادیق غیبت قلب می‌دانند. به این معنا که اگر انسان در دل و ضمیر خود به برادر مسلمانش بدبین شد، در دل از او غیبت کرده است. از دیدگاه اسلام، گذشته از ممنوع بودن گناه، فکر گناه نیز ناپسند است. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا؛ کسی که زیاد درباره گناهان فکر کند، گناهان، او را به سوی خود می‌کشند». چون فکر گناه سبب می‌شود که انسان صفای روح خود را از دست بدهد. سوءظن نیز این‌گونه است. زیرا اگر کسی نسبت به برادران دینی خود بدگمان شد و به این بدبینی ترتیب اثر داد؛ یعنی: در دل، آن را پی‌گیری کرد و پرورش داد، سوءظن او به غیبت قلبی منتهی می‌شود که علمای اخلاق از آن به «عقد القلب» تعبیر کرده‌اند. عقد قلب نیز مقدمه غیبت زبانی، تهمت، سخن‌چینی و سعایت و بسیاری از گناهان دیگر خواهد شد.

### ۳. تباه شدن عبادت

از مفسد دیگری که سوءظن دارد این است که سبب فساد و تباهی عبادت انسان می‌شود. از

۱. فهرست موضوعی غرر، ص ۲۲۷، ش ۹۰۸۴.

۲. همان، ص ۱۲۷، ش ۸۵۶۱.

مجلس دوازدهم: سوء ظن؛ از پیشگیری تا درمان (۱) ■ ۱۳۹

این‌رو امیر مؤمنان علیه السلام مردم را از عاقبت این بلایی که دامنگیر افراد می‌شود بر حذر داشته و فرموده‌اند: «إِيَّاكَ أَنْ تُسِيءَ الظَّنَّ فَإِنَّ سُوءَ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْعِبَادَةَ وَيَعْظُمُ الْوِزْرُ؛<sup>۱</sup> از گمان بد دوری کنید. زیرا بد گمانی [اثر] عبادت را از بین می‌برد و گناه [انسان] را بزرگ می‌کند.»

و نیز فرمود: «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ؛<sup>۲</sup> ایمان با سوء ظن جمع نمی‌شود.»

در حدیث دیگری از آن امام بزرگوار می‌خوانیم: «سُوءُ الظَّنِّ بِالْمُحْسِنِ شَرُّ الْإِثْمِ وَأَقْبَحُ الظُّلْمِ؛<sup>۳</sup> بد گمانی به انسان نیکوکار [و بی‌گناه] بدترین گناه و زشت‌ترین ستم است.»

آری، افراد بدگمان و بدبین در اثر این بیماری به عنصری ترسو، بی‌خاصیت، وسواسی و متزلزل تبدیل شده، از جامعه منزوی می‌شوند؛ حتی به پزشک و عالم و مجتهد هم اعتماد نمی‌کنند زیرا از نگاه آنان، عالم طبیعت و جامعه انسانی، ناپاک و غیر قابل اعتماد است. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «هرکس با حسن ظن زندگی نکند، از همگان وحشت می‌کند.»<sup>۴</sup> قرآن مجید در مورد علاج و بازسازی این‌گونه افراد می‌فرماید: «چرا هنگام شنیدن این حرف‌ها گمان خوب نداشتید؟ و نگفتید: دروغ و شایعه است؟»<sup>۵</sup>

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای قرائتی در جلسه‌ای تعریف می‌کرد: یکی از نمایندگان مرحوم آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم به محضر آقا نامه نوشت و گزارشی را مبنی بر بی‌توجهی شهروندان یک شهر نسبت به جایگاه عالی معظم‌له ابلاغ نمود. حضرت آقا در جواب نوشته بود: «أَدْفُنُ الْحَكِيمَ وَارْفَعِ الْإِسْلَامَ؛ حکیم را دفن کنید و به فکر اسلام باشید.» ایشان از این طریق، تمام توهم‌ها و سوء ظن‌های نگارنده نامه را مردود کرده بودند.<sup>۶</sup>

## (ب) حوزه خانوادگی

اگرچه سوء ظن همیشه و همه‌جا پیامدهای نامطلوبی دارد و با دین و دین‌داری سازگار نیست،<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۲۲۷، ش ۲۷۰۹.

۲. همان، ص ۲۲۸، ش ۱۰۵۳۴.

۳. همان، ص ۲۲۷، ش ۵۵۷۳.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۶: «مَنْ لَمْ يُحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ.»

۵. نور، آیه ۱۲: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُو ظَنًّا الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ.»

۶. خاطرات سال ۱۳۵۴، قم: سالن اجتماعات دفتر تبلیغات اسلامی.

۷. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ش ۱۰۵۳۴؛ محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲،

ص ۱۷۸۶، ش ۱۱۵۴۹: «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ.»

ولی خطر نفوذ آن به کانون خانواده فراتر از تصور است؛ به گونه‌ای که صفای بهستی خانه را به جهنمی سوزان تبدیل می‌نماید. از این رو، مولا علی علیه السلام می‌فرماید: «مبادا بی‌جهت به دیگران سوءظن داشته باشید که آن باعث می‌شود زن سالم، ناسالم گشته و به مسیر خلاف بیفتد.»<sup>۱</sup>

به این جهت، اسلام دستور می‌دهد: اگر کسی در سفر باشد، ورودش به خانه در ساعات پایانی شب مکروه است<sup>۲</sup> تا فرهنگ اعتماد و صداقت خانوادگی را افزایش بدهد، هرگونه سوءظن را در نطفه ریشه‌کن کند. هم‌چنین تأکید می‌کند که سرزده به خانه وارد نشوید؛ بلکه ورود خود را از راه‌هایی مانند: سرفه‌کردن، «یا الله» گفتن و کارهایی از این دست، اعلام نمایید تا خانواده با آمادگی و ادب به استقبال شما بیاید و کوچک‌ترین زمینه سوءظن وجود نداشته باشد.<sup>۳</sup>

اگر کسی به آمار حادثه‌ها و رویدادهای تلخ خانوادگی توجه کند، متوجه می‌شود که در اثر سوءظن چگونه خانواده‌ها متلاشی می‌شوند و بچه‌ها آواره و یا جنگ و خون‌ریزی قبیله‌ای و خانوادگی، آرامش و فضای زیبای جامعه را تهدید می‌نماید. متأسفانه هر ساعت، شانزده طلاق در میهن ما صورت می‌پذیرد؛<sup>۴</sup> که مطمئناً بخش چشم‌گیری از این طلاق‌ها ناشی از بدگمانی‌ها یا سوء برداشت‌ها است. خانمی در دادگاه حمایت از خانواده می‌گوید: تعجب نکنید که چرا پس از دوازده سال زندگی مشترک و داشتن سه بچه‌قد و نیم‌قد، تصمیم به جدایی گرفته‌ام. حالا دیگر مطمئنم که شوهرم به من خیانت می‌کند. چند روز پیش در خیابان، او را با یک خانم آرایش کرده دیدم. حتماً معشوقه او و متولد خردادماه بود. من هر هفته مجله‌ای را که فال مفصّلی دارد می‌خوانم، بیشتر هفته‌ها در فال شوهرم نوشته است: با متولد خردادماه، اوقات خوشی را خواهید گذراند. من متولد بهمن هستم، پس منظورش زن دیگری است. به علاوه، اصلاً حس می‌کنم که شوهرم دیگر محبت‌های گذشته را ندارد، و در همین حال به آرامی اشک‌هایش را پاک می‌کند. شوهرش می‌گوید: خانم! شما بگوئید چه کنم؟ کاش این مجله‌ها به فکر این گونه خوانندگانشان بودند و کمتر از این دروغ‌ها سرهم می‌کردند. باور کنید روزگار من و بچه‌هایم از دست این فکرها سیاه شده است. اگر در فال من نوشته باشد: در این هفته پولی می‌رسد، بلایی بر سرم

۱. فیض الاسلام، *نهج البلاغه*، نامه ۳۱، ص ۹۳۹: «فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّبِّ.»

۲. سیوطی، *الجامع الصغير*، ج ۲، ص ۶۸۷، ح ۹۳۶۹.

۳. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۶، ص ۱۱، ح ۴۶: «يَصْنَعُ ذَلِكَ حَتَّى يُؤْذِنَهُمْ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ حَتَّى لَا يَرَى شَيْئاً يَكْرَهُهُ.»

۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۹۲/۱/۱۸، ص ۳.



مجلس دوازدهم: سوءظن؛ از پیشگیری تا درمان (۱) ■ ۱۴۱

می آورد که بگو: پول ها را چه کردی؟ یا اگر نوشته باشد: نامه ای به دستت می رسد، که وای به حالم! فکر می کنم اکنون که رفتار این زن، با استدلال عوض نمی شود، همان بهتر که از هم جدا شویم.<sup>۱</sup>

\*\*\*

دختر ۲۷ ساله ای در دادگاه گفت: در یک روز برفی به تقاضای هم کلاسی ام سوار ماشین دایی اش شدم تا مرا به منزل برساند و همین امر، هشت سال است مرا بلا تکلیف گذارده است. دو ماه پیش از واقعه، موقعی که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می کردم، عقد شده بودم. روزی برای حاضر کردن درس به خانه یکی از هم کلاسی هایم رفته بودم، چون برف می بارید، هم کلاسی ام از من خواست که دایی اش مرا به منزل برساند. هنگامی که اتومبیل حامل من به منزل رسید، شوهرم را که سر کوچه ایستاده بود دیدم و بلافاصله متوجه خطر شدم. از این رو، به راننده گفتم: فرار کن. او هم مانند یک مجرم فرار کرد. و همین امر بر سوءظن شوهرم افزود. بعداً نیز موقعی که مورد اعتراض قرار گرفتم، جریان را انکار کردم و این امر، سوءظن او را بیشتر کرد به طوری که بعدها حتی شهادت هم کلاسی ام و خانواده اش نیز نتوانست خاطر او را آسوده سازد و مرا از اتهام برهاند. شوهرم دیگر نه مرا به خانه می برد و نه طلاقم می دهد. الآن هشت سال است که بلا تکلیف مانده ام.<sup>۲</sup>

هم چنین در طول تاریخ، سوءظن در مورد خانواده ها بیشتر اتفاق افتاده است و به گواهی قرآن مجید، این منافقان و بیمار دلان بوده اند که به این موضوع دامن زده اند<sup>۳</sup> حتی به حریم انبیا و اولیا نیز رحم نکرده اند، بالاتر از همه به نوامیس پیامبر اسلام ﷺ نیز سوءظن برده اند و با شایعه پراکنی، جامعه اسلامی را پریشان نموده اند.

رسول خدا ﷺ سال پنجم هجری در غزوه «بنی المصطلق» یکی از همسرانش را به همراه داشت و او را در هودجی قرار داد. همسر پیامبر برای انجام حاجتی، اندکی از سپاه دور شد. هنگام بازگشت، گردن بندش پاره شد و برای پیدا کردن آن معطل شد. یاران پیامبر به خیال این که همسر

۱. امینی، ابراهیم، آیین همسر داری، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۸۲.

۳. تفاسیر قرآن، از جمله: طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۹۷ - ۱۰۰: «وكان بعض المنافقين، او الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ»، يساعدون على اذاعة الحديث حبا منهم لشيوخ الفاحشة...»

حضرت در هودج است، آن را بر شتر گذاشته و حرکت کردند و این‌گونه، همسر پیامبر از کاروان بازماند. اتفاقاً، صفوان بن معطل سلمی نیز از لشکر دور شده بود. با دیدن ام المؤمنین، او را شناخت و بر شتر سوارش کرد و به لشکرگاه رساند، ولی زبان منافقان و بیماردلان به سوءظن و شایعه‌پراکنی باز شد و بیش از همه، رئیس منافقان، عبدالله بن اُبی سلول، بر این شایعه دامن زد.<sup>۱</sup>

این پدیده تلخ، رسول خدا ﷺ و صحابه آن حضرت را پریشان و فضای اجتماعی مدینه را مسموم کرد. خداوند با نزول آیاتی هم توطئه‌گران و شایعه‌سازان را به عذاب تهدید کرد<sup>۲</sup> و هم ساده‌اندیشان را که تحت تأثیر تبلیغاتی دشمنان به این تهمت و شایعه دامن می‌زدند.<sup>۳</sup>

اگر به آیه‌های ۱۵ و ۲۳ سوره نور دقت شود، هرگز انسان حریم خانواده خود و دیگران را لکه‌دار نمی‌کند و متوجه می‌شود که «عذاب عظیم» در مسیر انسان‌های بدگمان است. همچنین ساده‌اندیشان نیز نباید به راحتی حرف‌های بی‌منطق شایعه‌پراکنان را بپذیرند و یا خود را از کیفر این گناه در امان بدانند.

۱. ر.ک: طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۰۶، تفسیر آیه ۱۱ سوره نور.

۲. نور، آیه ۲۳: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.»

۳. نور، آیه ۱۵: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.»